

باسمه تعالی

انجمن های دوستی

انجمن های دوستی به صورت بندی ویژه ای از سازمان های غیر دولتی اطلاق می شود که اغلب توسط نخبگان یک کشور به منظور توسعه و تحکیم روابط دوستی با سایر کشورها تشکیل می گردد و ساختار این انجمن ها همچون شکل های غیردولتی می باشد که در زمینه های مختلف در راستای منافع ملی فعالیت می نمایند.

سازمان های غیر دولتی یا سازمان های مردم نهاد در حال حاضر، ساختارهای توانمندی در روند تعاملی جامعه جهانی بوده و می توانند به عنوان پیک فرهنگی مناسبی در راستای حضور ملتها در جهان کنونی و مشارکت در امور گوناگون چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی در نظر گرفته شوند. این سازمان ها از نیمه اول قرن بیستم به شکل نوین خود در جهان مطرح شدند و کارکرد واقعی و عملی آنها در زمینه های گوناگون به خصوص حوزه های علمی، فرهنگی، زیست محیطی، بشردوستانه و نظایر آن به منصفه ظهور رسیده است.

انجمن های دوستی از سال ۱۹۶۵ و با همکاری های بین المللی یونسکو به وجود آمدند و از آن تاریخ تاکنون پیوسته بر نقش تعیین کننده آنها در معادلات بین المللی افزوده شده است. این نهادها می توانند به عنوان مشاوران ارزشمندی برای نهادهای دولتی و سایر سازمان های غیر دولتی و بین المللی باشند و از توانایی و ظرفیت مناسبی در جهت گسترش پیوندهای علمی، فرهنگی، توسعه روابط دوستانه میان جوامع مختلف و تحکیم صلح و دوستی ملی و جهانی برخوردار شوند. از همین روی است که امروزه این انجمن ها به نحو فزاینده ای در حال افزایش و توسعه کمی و کیفی هستند.

با گسترش شبکه ها و رسانه های جدید ارتباطی به عنوان مکان عمومی جدید، بازیگران جدیدی پا به عرصه جامعه مدنی جهانی گذاشتند. سازمان های رسمی اجتماعی مستقل از دولت ها که هدف آنها پیگیری اهداف و ارزش های مشترک در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فنی، اقتصادی و... است. این بازیگران با کمک روش های مختلف مانند استفاده از عرصه سیاست شبکه ای و رسانه ای، نفوذگری، اطلاع رسانی، بسیج و سازماندهی مردم و... تلاش دارند نفوذ خود را بر فرایندهای سیاستگزاری و تصمیم گیری دولت ها و دستور کار جهانی افزایش دهند.

دولت ها به لحاظ وظایف ساختاری خود به ویژه وظایف دیپلماتیک، نمی توانند نسبت به این سازمان ها بی تفاوت باشند؛ لذا توجه آنها به دیپلماسی عمومی نوین پاسخی به افزایش و اهمیت نقش کنشگران قلمرو عمومی در ساخت هنجارها، قواعد و مدیریت امور جهان است.

انجمن های دوستی به دو دلیل از اهمیت دو چندان برخوردار هستند. نخست، آن که این انجمن ها، نهادی تخصصی و کارآمد در عرصه دیپلماسی غیر رسمی و عمومی هستند که فلسفه وجودی آنها توسعه روابط مردمی و دوستانه است. دوم، این تشکل ها دارای رسالت تعریف شده ای در حوزه فرهنگ بوده و یکی از ماموریت های اصلی و سازمانی آنها بر اساس عرف بین المللی و اساسنامه های بومی آنها، توسعه روابط فرهنگی دو کشور می باشد.

از آنجائی که انجمن‌های دوستی در دو عرصه کلیدی یعنی روابط میان ملت‌ها و محیط بین‌المللی ایفای نقش می‌نمایند حوزه فعالیت و کنشگری آنها بسیار گسترده و وسیع ارزیابی می‌شود. به عبارت دیگر به جز روابط سیاسی و نوع تعاملات رسمی که در حوزه اختیارات حاکمیتی هر کشور قرار دارد این انجمن‌ها می‌توانند در سایر امور به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی، دانشگاهی، اقتصادی بهداشتی، امور بشردوستانه، محیط زیست و ... به انجام فعالیت بپردازند.

به طور طبیعی، این انجمن‌ها می‌توانند با ساختارهای توانمند خود در روند تعامل با جامعه جهانی فعال بوده و به‌عنوان پیک فرهنگی مناسبی در راستای حضور ملت‌ها در جهان کنونی و مشارکت در امور گوناگون، چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی در نظر گرفته شوند. این انجمن‌ها نشان‌دهنده تلاش ملت‌ها در جهت تعمیق همبستگی، برادری و دوستی میان خود و استفاده از تجربه‌های انباشته شده جامعه بشری برای نهادسازی در زمینه فعالیت‌های گوناگون در حوزه روابط بین‌الملل می‌باشند؛ همچنین انجمن‌های دوستی می‌توانند به‌عنوان مشاوران ارزشمندی برای نهادهای دولتی و سایر سازمان‌های غیر دولتی و بین‌المللی باشند و از توانایی و ظرفیت مناسبی در جهت گسترش پیوندهای علمی، فرهنگی، توسعه روابط دوستانه میان جوامع مختلف و تحکیم صلح و دوستی ملی و جهانی برخوردار شوند.

انجمن‌های دوستی به مثابه سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام بین‌الملل

انجمن‌های دوستی به مثابه سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام بین‌الملل هستند که به طور مستقیم به عنوان بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد، غیرانتفاعی و مستقل از دولت هستند و بودجه این سازمان‌ها از راه کمک‌های مردمی و در مواردی نیز با کمک سازمان‌های دولتی، دولت یا ترکیبی از این روش‌ها تأمین می‌شود. سازمان غیردولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوطه تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد. موضوع فعالیت سازمان مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی و نظایر آن یا مجموعه ای از آنها می‌باشد.

سه مرحله یا دوران تکامل سازمان‌های غیردولتی توسط کورتون در سال ۱۹۹۰ در نوشته‌ای تحت عنوان «سه دوره شکل‌گیری فعالیتهای داوطلبانه» شناسایی شده‌است. در مرحله اول، نوع خاصی از سازمان مردم‌نهاد شکل می‌گیرد که بر امدادسانی و رفاه متمرکز بود و مستقیماً به افراد ذی‌نفع خدمات امدادی ارائه می‌کرد. توزیع غذا، تأمین پناهگاه و ارائه خدمات بهداشتی نمونه‌هایی از خدمات این قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد بود. در واقع سازمان مردم‌نهاد در این مرحله نیازهای روز افراد را تشخیص می‌دادند و به برآورده ساختن آنها می‌پرداختند. در مرحله دوم از تکامل، سازمان‌های مردم‌نهاد از لحاظ وسعت و اندازه کوچکتر شده و به مجموعه‌های مستقل و خودکفای

محلی تبدیل شدند. سازمان‌های مردم‌نهاد در این مرحله از تکامل، امکانات جوامع محلی را گسترش دادند تا بتوانند با "اقدامات محلی مستقل" نیازهای آنها را برآورده سازند. کورتن، مرحله سوم از تکامل و شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد را "توسعه نظام‌های پایدار" می‌خواند. در این مرحله، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌کوشند تغییراتی را در سیاست‌ها و مؤسسات در سطح داخلی، ملی و بین‌المللی به وجود آورند؛ آنها از نقش سابق خود که تأمین و ارائه خدمات عملیاتی بود، فاصله گرفته و نقش کاتالیزوری به عهده گرفتند. به تدریج این سازمان از «سازمان مردم‌نهاد امدادرسان» به «سازمان مردم‌نهاد توسعه و آبادانی» تغییر ماهیت داد.

اگرچه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به‌ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. شاکله اساسی سازمان‌های غیردولتی در قرن نوزدهم تجلی یافت. در سال ۱۹۲۴، اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی به تفکیک سازمان‌های غیردولتی پرداخت. اما قبل از آن، نخستین فعالیت‌های مرتبط با تشکیل سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سال ۱۸۳۹ آغاز شد. برای مثال «موسسه حقوق بین‌المللی»، (برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۰۴) در سال ۱۸۷۳ در شهر «گان» بلژیک شکل گرفته است. اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۸۸۹ تشکیل شده و «دفتر بین‌المللی کار» (برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۱۰) در سال ۱۸۹۲ در «برن» سوئیس تأسیس شده است. البته انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند که یکی از اولین سازمان‌های این‌چنینی، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در ماده‌ی ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده است، به وجود آمد. اولین تعریفی که از «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی»^[۳] ارائه شده است، مربوط می‌شود به قطعنامه ۲۸۸ ECOSOC به تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۵۰ که در آن چنین آمده است که «هرگونه سازمان بین‌المللی که از طریق پیمان و معاهده بین‌المللی ایجاد نشده است، سازمان غیردولتی است.»

فرایند جهانی‌سازی در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمان‌های مردم‌نهاد شد. امکان حل خیلی از مشکلات داخل یک کشور وجود نداشت. معاهدات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی بیش از حد بر منافع مؤسسات مالی بزرگ متمرکز بودند. در اقدامی برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر مسائل بشردوستانه، کمک به توسعه و توسعه پایدار تأسیس شدند که نمونه بارز آن اجلاس اجتماعی جهان است که هر ساله در ماه ژانویه در داووس برگزار می‌شود و رقیب اجلاس اقتصادی جهان محسوب می‌شود. بر اساس گزارش تهیه شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ درخصوص حکومت جهانی، نشان می‌داد که در آن زمان قریب به ۲۹۰۰۰ سازمان مردم‌نهاد بین‌المللی وجود داشته است. تعداد سازمان مردم‌نهاد داخلی کشورها حتی از این رقم نیز بالاتر بوده است به طوری که حدود دو میلیون سازمان غیردولتی در آمریکا فعالیت می‌کنند که بیشتر آنها در دهه‌های گذشته تشکیل شده‌اند. روسیه نیز ۴۰۰۰ سازمان مردم‌نهاد دارد. همچنین در هندوستان نیز دو میلیون سازمان مردم‌نهاد وجود دارد.

علل شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان در اهداف بشردوستانه یا تجربه شخصی در برخورد با معضلات اجتماعی و یا دستورات و سفارشات بزرگان در نیکوکاری و حرکت‌های انسان‌دوستانه جستجو کرد. تشکلهای غیردولتی برای ادامه فعالیت و انجام وظایف خود نیازمند ویژگی‌هایی هستند که ضامن بقا و موفقیت آنهاست از جمله خودجوشی، نیاز طبیعی، اهداف مشترک اعضا، قانون‌مندی، برنامه و فعالیت مدون، مشارکت‌پذیری و استقلال. بدیهی است، هر مؤسسه یا بنیاد غیردولتی با توجه به نیاز اعضای خود، موضوع فعالیت مشخصی را پی‌می‌گیرد. موضوعاتی مانند: دین، آموزش، بهداشت، محیط زیست، اشتغال، فرهنگ، هنر، جوانان، کودکان، زنان، سالمندان و یا موضوعات تخصصی و علمی؛ لذا سازمان‌های مردم‌نهاد، با تأکید بر سه اصل داوطلبانه، غیرانتفاعی و غیرسیاسی تشکیل و تأسیس می‌شوند.

سازمان‌های مردم‌نهاد برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می‌کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف خود فعال هستند. تعداد این قبیل سازمان‌ها بسیار زیاد است و اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت‌های سیاسی و فلسفی را در بر می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بهبود وضعیت محیط زیست و گردشگری در کشور.
- کمک‌های درمانی به بیماران خاص در حوزه سلامت.
- تشویق گروه‌ها و مردم به رعایت حقوق بشر و حقوق جانوران در جامعه.
- بالا بردن سطح رفاه قشرهای محروم و آسیب‌پذیر اجتماع با مطرح ساختن یک برنامه مشترک و دسته جمعی و آگاهی‌رسانی به طبقات مختلف جامعه.
- حمایت از بیماران مبتلا به اعتیاد در حوزه آسیب‌های اجتماعی در کشور.

سازمان‌های غیردولتی در دو سطح داخلی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند. از آنجا که درک و ماهیت فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی متفاوت است؛ بنابراین شاید تعریف مورد اجماع به سختی به دست آید. بررسی ادبیات سازمان‌های غیردولتی گواه این ادعاست.

شواری اقتصادی اجتماعی ملل متحد در قطعنامه سال ۱۹۵۰، این بازیگران غیر رسمی را هر سازمانی می‌داند که سند مؤسس آن ناشی از یک موافقتنامه بین‌الدولی نباشد. از این رو، سازمان‌های غیردولتی به عنوان بخشی از جامعه مدنی می‌باشند که می‌توان سه معیار عمده برای تعریف آنها طرح نمود: ۱. داشتن هدف عام‌المنفعه، ۲. اساسنامه آن نباید بین دولتی باشد، ۳. انجام فعالیت مؤثر بیش از دو کشور.

با توجه به اهمیت این سازمان‌ها در پیشبرد منافع بشری، سازمان ملل متحد در دهه ۹۰ در جهت گسترش روابط خود و سازمان دهی غیردولتی گام برداشت. دبیرکل وقت سازمان ملل در گزارشی با عنوان تقویت سازمان ملل، دستور کاری برای تغییر رویکردهای سازمان ملل در بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی ارائه داد که از اهمیت روبه افزایش این سازمان‌ها حکایت دارد. در همین راستا، در سال ۲۰۰۳ دبیرکل، هیأتی را به ریاست رئیس

جمهور سابق برزیل جهت ارتباط بیشتر سازمان ملل با جوامع مدنی برگزید که ماموریت داشت پس از بررسی، گزارشی را حول محورهای زیر تنظیم نماید:

- افزایش مشارکت سازمان های غیردولتی در ارکان بین دولتی؛
- تأسیس صندوقی برای افزایش مشارکت سازمان های غیردولتی از کشورهای در حال توسعه؛
- اعتباربخشی آنها در نظام ملل متحد؛
- ارتقای گفت و گو میان دبیرخانه سازمان و سازمان های غیردولتی؛
- تقویت ارتباط سازمان های غیردولتی در سطح کشورها؛

این روند، در یونسکو نیز پی گرفته شد به طوری که در بند ۴ ماده ۱۱ اساسنامه یونسکو پیرامون روابط با سایر سازمان ها و مؤسسات می گوید: «سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد می تواند ترتیبات مناسب برای مشورت و همکاری با سازمان های غیردولتی درباره مسایل داخلی در صلاحیت خود را به عمل آورده و از آنها دعوت کند که وظایف خاصی را عهده دار شوند. این همکاری می تواند شامل شرکت مناسب نمایندگان این سازمان ها در کمیته های مشورتی تشکیل شده توسط کنفرانس عمومی نیز باشد.

در اجرای این بند، یونسکو در طول سال ها تلاش کرده شبکه ارتباطی ارزشمندی با سازمان های غیردولتی در راستای تبلور جامعه مدنی جهانی ایجاد کند. از این رو، با توجه به اهمیت سازمان های غیردولتی و رشد فزاینده آنها، یونسکو بر آن شد روابط خود را دوباره با آنها مورد بررسی قرار دهد. به عنوان مثال، در کنوانسیون تنوع میان فرهنگی ۲۰۰۵، با توجه به آنکه تمام بخش های جامعه مدنی در شکل دهی به سیاست های عمومی برای ترویج و حمایت از تنوع فرهنگی می تواند فعال باشند، نقش سازمان های غیردولتی ارتقا یافت.

به طوری که در ماده ۱۵، در روش همکاری، دولت های عضو باید مشارکت میان بخش های عمومی - خصوصی و سازمان غیرانتفاعی را به منظور همکاری با کشورهای در حال توسعه برای بهبود ظرفیت های آنها در حفظ و ترویج تنوع بیان های فرهنگی تشویق کنند. این مشارکت باید برحسب نیازهای عملی کشورهای در حال توسعه بر توسعه بیشتر زیربنای اقتصادی - منابع انسانی سیاست ها و همین طور تبادل فعالیت ها، کالاها و خدمات فرهنگی تأکید کردند.

چنین رویکردهایی در سطح نظام بین الملل، جوامع مدنی کشورها را به سمت مشارکت هرچه بیشتر در ورای مرزهای ملی و سیاستگزاری خارجی سوق داد که برون داد آن اهمیت چشمگیر انجمن های دوستی در جامعه جهانی بود.

با کاهش نقش دولت - ملت ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل و از طرفی مباحث مربوط به جهانی شدن و افزایش آگاهی انسانی، واگذاری نقش ها به بازیگران غیردولتی مانند انجمن های دوستی سیر فزاینده یافت. به

طوری که انجمن‌های دوستی با تأکید بر روابط میان فرهنگی و فرهنگی بین‌المللی در کشورهای مختلف، پل ارتباطی غیررسمی میان ملت‌ها در کشورها قرار گرفتند.

برنامه ۲۵ ساله همکاری با چین ابتکاری از سوی جمهوری اسلامی ایران است که در راستای سرمایه‌گذاری بلندمدت و راهبردی در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصادی تدوین شده و در حال تکمیل است. برخی در داخل و خارج، این برنامه را باعث سیطره چینی‌ها بر کشورمان می‌دانند و ادعاهای مختلفی را علیه آن مطرح می‌سازند. دستگاه دیپلماسی اما شفاف‌سازی در این زمینه را در پیش گرفته‌است.

تحلیلگران روابط بین‌الملل از سال‌ها پیش سده جاری را قرن آسیایی نامیده‌اند؛ دوره‌ای که شاهد چرخش قدرت جهانی از غرب به شرق خواهیم بود و اقتصادهای آسیایی گوی سبقت را از رقبای اروپایی و آمریکایی خود خواهند به شرق خواهیم بود و اقتصادهای آسیایی گوی سبقت را از رقبای اروپایی و آمریکایی خود خواهند ربود.

بر اساس براساس پیش‌بینی موسسه Pricewaterhouse Coopers PwC، چین در سال ۲۰۳۰ یعنی ۱۰ سال دیگر با پیشی گرفتن از آمریکا در صدر اقتصادهای جهان قرار خواهد گرفت. اژدهای زرد ۱۰ سال دیگر با ۳۸ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی قدرت اول اقتصادی جهان و آمریکا با ۲۳ تریلیون دلار دومین قدرت اقتصادی جهان خواهد بود. بر این مبنا اقتصاد آمریکا ۱۰ سال دیگر تنها ۶۰ درصد اقتصاد چین خواهد بود.

با توجه به این برآوردها و با وجود چالش‌هایی نظیر کرونا که چین و دیگر اقتصادهای جهان را حتی شدیدتر از اژدهای زرد درگیر خود ساخته، چین به سمت راس سلسله‌مراتب قدرت بین‌الملل در حال حرکت است.

ایجاد بسترهای همکاری راهبردی با چین نه تنها ضرورتی عقلانی در راستای اهداف و منافع ملی که برگ برنده‌ای برای تنظیم و تعادل بخشی به سایر محورهای روابط خارجی است.

طی سال‌های گذشته همواره این انگاره درباره روابط خارجی مطرح شده که دولت‌ها در تهران در شرایط تنش با کشورهای اروپایی به سوی تقویت روابط با دولت‌های شرقی گام برداشته‌اند؛ موضوعی که از دید برخی ناظران در پایتخت‌های شرقی نیز نوعی بدبینی به سمت و سوی روابط خارجی ما به وجود آورده است.

برنامه همکاری درازمدت با چین نه تنها اطمینانی دوجانبه میان تهران و پکن و بستری مناسب را جهت ارتقای سطح روابط و همکاری در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کند بلکه برگ برنده‌ای ارزشمند جهت چانه‌زنی با غربی‌ها در اختیار ایران قرار می‌دهد.

برنامه همکاری راهبردی ایران و چین به عنوان ابتکاری از سوی جمهوری اسلامی، شامل یک مقدمه، هشت بند و سه ضمیمه که در راستای اطلاع‌رسانی دستگاه دیپلماسی و پاسخگویی به افکار عمومی، از نظر اهالی رسانه

گذشته و در اختیار آنان قرار گرفته چشم‌اندازی در زمینه توسعه تجارت، مبادلات مالی و انرژی، همکاری در بخش بهداشت و سلامت، تبادل استاد و دانشجو، تحکیم روابط دفاعی، همکاری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز و ... ارائه می‌دهد که منافع دو طرف را تضمین می‌کند.

چین در ابراهبرد سیاست خارجی خود احیای جاده ابریشم را دنبال می‌کند تا درهای اقتصادش را بیش از پیش به سوی مقاصد جهانی بگشاید؛ مسیری که ایران در آن نقطه‌ای ژئواستراتژیک محسوب می‌شود و گذار جاده ابریشم از خاورمیانه و ادامه مسیر به سوی اروپا، آفریقا و خاور نزدیک اهمیت ایران به عنوان یک شریک تجاری مطمئن را روزافزون می‌سازد.

در سوی مقابل، چین طی سال‌های گذشته و اکنون از مهمترین کشورهای تامین کننده نیازهای ایران در زمینه کالا، خدمات، فناوری‌های روز و مشتری محصولات انرژی کشورمان محسوب می‌شود و کوشیده تعهدات دوجانبه و بین‌المللی از جمله در توافق هسته‌ای را به انجام رساند.

مزایا و واقعیات روابط ایران و چین به رغم فضا سازی‌هایی که از سوی برخی افراد و جریان‌های داخلی و نیز طیفی از دولت‌ها و رسانه‌ها با اهداف و اغراض گوناگون صورت می‌گیرد و تیغی که برای برنامه بیست و پنج ساله همکاری از رو بسته‌اند، در حکم ابریشمی گرانبها برای دو کشور محسوب می‌شود.

در پایان انجمن‌های دوستی طبق وظیفه ذاتی خود در حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و دیپلماسی عمومی و بخش خصوصی دو کشور نظرات نهایی خود در مورد این تفاهم‌نامه را به شرح زیر اعلام میدارد:

- ۱- حضور بخش خصوصی چین در این برنامه باعث ماندگاری و تعهد آنان به تکمیل پروژه‌ها خواهد شد. در صورت تحریم مجدد، امکان‌شانه خالی کردن برای طرف چینی را به حداقل میرساند.
- ۲- جذب سرمایه بخش خصوصی باعث چسبندگی اقتصادی بین طرفین میشود و هزینه‌های خروج از پروژه‌ها را برای طرفین بالا میبرد.
- ۳- طرف حساب ایران شرکت‌های خصوصی چین باشد، نه دولت پکن.
- ۴- رفع نگرانی‌های بخش خصوصی در ایران درباره‌ی مفاد قرارداد.
- ۵- مهمترین حضور بخش خصوصی در این قرارداد را میتوان به موضوعات انرژی، حوزه آب و منابع آبی و سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه مناطق آزاد را لحاظ کرد.

منابع:

- ۱- جوزف، نای. (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم. ترجمه سید رضا میرطاهر، تهران، نشر قومس.
- ۲- حقیقی، رضا. (۱۳۸۶). فرهنگ و دیپلماسی. تهران، نشر المهدی.

- ۳- هربرت، شیلر. (۱۳۷۷). وسایل ارتباطی جمعی و امپراتوری امریکا. ترجمه احمد عابدینی، تهران، نشر سروش.
- ۴- صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی. (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی. تهران، نشر ققنوس.
- ۵- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۶۹). نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران: نشر قومس.
- ۶- مک لوهان، مارشال. (۱۳۷۷). برای درک رسانه ها. تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.

تهیه و گردآورنده: دکتر مهدی نادى عضو هیئت مدیره و رئیس کمیته علمى انجمن دوستى ایران و چین

۱۳۹۹/۹/۱۱